



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) نایین

عنوان

ارزش و اهمیت علم از منظر آیات و روایات

استاد راهنما:

سرکار خانم فائزه گلستانی

پژوهشگر:

مریم سادات طاهری

دی ماه 1395

فهرست مطالب

عنوان

1	مقدمه.....
2	تعریف لغوی علم.....
2	تعریف اصطلاحی علم.....
3	جایگاه و اهمیت علم در آیات قرآن کریم.....
5	علم منشاء عصمت.....
7	جایگاه عالم.....
12	جایگاه و ارزش علم در روایات.....
15	اقسام علم.....
18	نتیجه گیری.....
19	فهرست منابع.....

چکیده

علم در لغت به معنای دانستن، یقین داشتن، درک کردن حقیقت چیزی است، در ادبیات اسلامی، علم به مفهوم آگاهی و دانش به نوری تشبیه شده که خداوند متعال در قلب هر شخصی که اراده نماید، قرار می دهد که مایه سعادت و خوشبختی حقیقی دارنده آن و سایر انسانها می شود.

در آیات قرآن کریم آموزش علم به خداوند نسبت داده شده و حتی خداوند به ابزار نوشتن قسم یاد کرده است.

اهمیت علم و آگاهی تا آن حد است که عدم بهره مندی از آن موجب اعتراض به ساحت خداوند متعال از جانب عابدانی چون فرشتگان شد و بهره مند از آن مسجود مقربانی چون ملائکه الهی گردید، لذا منشأ قیام و اقدام علیه حق از طرف کسانی که در مقابل انبیاء می ایستند و برای خاموش کردن چراغ وحی می کوشند، جهل و نادانی آنهاست.

موهبت الهی که آن را به نام نیروی عصمت می نامیم خود نوعی از علم و شعور است که صاحبش را از کل ضلالت ها و خطاها حفظ می کند.

عالمان با جاهلان و نادانان نه در پیشگاه الهی یکسانند و نه در نظر خلق آگاه، نه در دنیا در یک صف قرار دارند و نه در آخرت، نه در ظاهر یکسانند و نه در باطن.

طلب علم از طلب مال، لازم تر و واجب تر است و دین مردم جامعه وقتی کامل می شود که دنبال علم بروند و از معارف دینشان آگاه شوند و به احکام دین عمل نمایند.

سیاست برتر و دست والا در دنیای سیاسی با اقتدار علمی حاصل می شود و اقتصاد هم به دنبال اینها به دست می آید.

پول تابع تواناییهاست؛ علم را میشود به پول تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد.

واژگان کلیدی:

ارزش ؛ علم ؛ جایگاه علم ؛ آیات قرآن ؛ روایت

مقدمه

یکی از دشمنان خطرناک مسیر انسانیت، جهل و نادانی است. انسان برای دستیابی به کمال و سعادت، نیازمند شناخت هدف و مسیر است که بدون دانش و آگاهی حاصل نمی‌شود. علم و دانش از ابزارهای لازم و ارزنده برای خوشبختی حقیقی انسان است. در فرهنگ اسلامی، برای علم و دانش ارزش بسیار قائل شده‌اند و علم و دانش را یکی از مشخصه‌ها و برتری‌های فرزندان آدم در میان مخلوقات الهی به‌شمار آورده‌اند تا جایی که حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرموده‌اند:

«عالمی که از علمش بهره برد، بهتر از هفتاد هزار عابد است.»¹

در این تحقیق که به روش کتابخانه‌ای نوشته شده است سعی بر این بوده که به بررسی ارزش و اهمیت علم و دانش در آیات و روایات ائمه معصومین علیهم السلام در حد وسع و مقدورات پرداخته شود.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

در زمینه ارزش علم و دانش کتابهای زیادی تالیف شده ولی کتاب جامع اصول کافی با بهره‌گیری از روایات ائمه معصومین علیهم السلام با عنوان فضل العلم به صورت مبسوط این موضوع تبیین شده است.

1. محمدبن یعقوب، کلینی / اصول کافی / جلد اول / باب صفه العلم / حدیث 8 / انتشارات سروین رخ / تهران / 1393.

تعریف علم

علم در لغت به معنای دانستن، یقین داشتن، درک کردن حقیقت چیزی است، علم نقیض جهل و به معنای دانش و آگاهی است.^۱

برخی در تعریف اصطلاحی علم گفته اند:

حقیقت علم، کشف امر خارج از ذهن به واسطه ی صورت ذهنی است که از راه حس، عقل و تجربه حاصل می شود و در برابر آن علوم اعتباری است که ما به ازای خارجی ندارند مانند اعتبار ریاست برای فردی.^۲

در ادبیات اسلامی، علم به مفهوم آگاهی و دانش و به معنای مطلق به کار رفته و در لسان قرآن، با معانی و توضیحات متعددی ترجمه و توصیف شده است که هر کدام، بعد خاصی از علم را معرفی نموده اند و در عین حال، بیانگر ویژگی های دیگری نیز هست. پیامبر گرامی (صل الله علیه وآله وسلم) در حدیثی فرموده اند:

«العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء».^۳

دانش نوری است که خداوند متعال در قلب هر کس که عنایت نماید، می افکند.

امام خمینی (ره) به روش خویش به بیان و تعریف و توضیح مفهوم علم پرداخته، که در جای خود بسیار دقیق و عالمانه است. و در یک تقسیم بندی و با استفاده از حدیث گرامی رسول گرامی اسلام علم را به سه قسم بیان کرده است:

(آیه محکم) که همان عقاید و جهان بینی انسان است و (فریضه عادلّه) یا واجبات راست، که اصول و احکام است و (سنّت قائمه) که منظور اخلاق و رفتار انسانی است.

امام راحل (ره) علم را از سربازان عقل دانسته و می نویسد :

1. اکبرهاشمی رفسنجانی/ برگزیده فرهنگ قرآن / جلد 3 / موسسه بوستان کتاب / قم / 1387 / ص 323.

2. همان.

3. محمد محمدی ری شهری/گزیده میزان الحکمه/ سازمان چاپ و نشر دارالحدیث/ قم / 1387.

در سوره شعراء از زبان حضرت ابراهیم (علیه السلام) می فرماید: «الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ؛ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ؛ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ»¹

«آنکه مرا آفرید پس رهبریم کند و آنکه بخوراندم و بنوشاندم و گاهی که بیمار شوم پس او بهبودیم بخشد.»

اما گاهی کسی بیش از اینکه چیزی برای جامعه لازم باشد می رود کسب علم می کند، این اضافه، دیگر واجب کفایی نیست. تا اندازه ای که برای جامعه و رفع نیازهای جامعه لازم است می شود واجب کفایی اما اضافه بر آن فضیلت است. بعضی علوم اصل آنها واجب است و علی رغم واجب بودن فضیلت و برجستگی هم دارند مانند الهیات و ریاضیات و طب، حالا اگر کسی در طب مثل ابوعلی سینا شد، یا در حساب شیخ بهایی شد و به دقایق این علوم بیش از نیاز جامعه آگاهی پیدا کرد. این اضافی واجب شرعی نیست اما فضیلتی است برای او.

یک دسته از علوم (علوم غیرشرعی) هم، علمی هستند که مذموم اند؛ مثل علم سحر و طلسمات و شعبده و مانند اینها. چیزی که مورد عنایت ما است که درباره اش بحث می کنیم عبارت است از علوم شرعی. در علوم شرعی؛ قسم اول که محمود است علم اصول است (علمی که محمودند اصول دارند و فروع دارند) اصول چیست؟ اصول همان ادلة اربعه است که عبارتند از: 1 - کتاب الله عزوجل 2- سنت رسول و معصومین صلوات الله علیهم اجمعین 3- اجماع فقهاء و 4 - دلیل عقل. انسان باید در علوم شرعی تسلط و آگاهی داشته باشد نسبت به این ادله.

و اما قسم دوم از علوم شرعی فروغند: منظور از فروع در اینجا، فروع دین نیست بلکه مسایلی هستند که متفرع هستند از اصول؛ احکامی هستند که از کتاب و سنت و اجماع و عقل به دست می آیند و متفرع از ادلة اربعه هستند، یعنی ملاکات را باید به دست آورد مثلاً وقتی می گویند: لایقزی القاضی و هو غضبان - وقتی قاضی خشمگین است قضاوت نکند - از این روایت استفاده می کنیم که اگر قاضی گرسنه، تشنه یا امثال اینها هم بود نبایستی قضاوت کند.

این قسم دوم هم دو قسم است که جزء علوم شرعی هستند و مربوطند به فروع؛ یک دسته فروعی هستند که مربوطند به مصالح دنیوی که عبارت از فقه است. مسایل فقهی از برای آخرت نیستند بلکه علم فقه مربوط به دنیاست و فقهاء از علمای دنیا هستند نه از علمای آخرت.

قسم سوم، مقدمات است: تحصیل مقدمات لازم است. دسته سوم علمی هستند که مقدمه اند از برای علوم بالاتر؛ و یاد گرفتن آنها هم واجب کفایی است مثل ادبیات عرب، علم صرف و نحو - زیرا برای فهم و درک کتاب خدا مهم اند، هر کس اطلاعات صرفی و نحوی او بهتر باشد قرآن کریم را بهتر می فهمد و

1. شعراء، 26/ آیات 77 - 80.

بهتر تفسیر می‌کند. پس اینها هم تحصیلشان واجب است اما تا چه میزان؟ نه به حدی که سیبویه می‌دانسته یا کسایی می‌دانسته است.

اینها (مقدمات) از علوم شرعی با لذات نیستند و لیکن آنچه باعث شده که ما تحصیل اینها را بکنیم شرع است زیر آدم باید ادبیات عرب را بفهمد تا کلام شارع را بفهمند.

هر شریعتی که می‌خواهد بیان شود باید به زبان خود آن شریعت یا اهل شریعت باشد

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِيَ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.»^۱

«و نفرستادیم فرستاده‌ای جز با زبان قوم خود تا آشکار کند برای ایشان، پس گمراه کند خدا هر که را خواهد و هدایت کند هر که را خواهد و اوست عزتمند حکیم.»

یکی دیگر از علوم مقدماتی، علم کتابت خط است، حدیث هم داریم که: «مَا حُفِظَ فَرَّ وَ مَا كُتِبَ قَرَّ» آنچه حفظ شود می‌گریزد و آنچه نوشته شود پایدار می‌ماند - یا روایت دیگری: «قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ» - با کتابت علم را در بند کشید.

یک دسته دیگر از علوم که از اصول هستند و مربوطند به کتاب و سنت، عبارتند از: مُتَمَّمَات:

مُتَمَّمَات؛ مثل علم تجوید در قرآن که تحصیل آن واجب است، چون اگر کسی قرائتش درست نباشد نمازش باطل است. تفسیر هم از مُتَمَّمَات کتاب و سنت است، معانی و بیان، علم بلاغت (که مربوط به اعجاز قرآن است) اینها همه مَتَمَّم هستند. علم لغت نیز همین‌طور است. یک سری متممات هم هست که در اخبار و آثار و روایات کاربرد دارند مانند علم رجال و دانستن اسامی رجال، شناختن صحابه و تابعین و روات و دانستن ویژگی‌های اخلاقی آنها و دانستن اینکه چه کسی روایت را نقل کرده مثلاً زراره، ابن مسلم و اینکه اینها چه کسانی هستند.^۲

1. ابراهیم، 14/آیه 4.

2. ملامحسن فیض‌کاشانی، محجة‌البیضاء، کتاب‌العلم من ربح العباداة، جلد اول، ص 130 به بعد.

نتیجه گیری

آنچه درباره ارزش علم و علما از دیدگاه آیات و روایات بیان شد ما را به این حقیقت مسلّم آگاه می‌سازد که عقل و نقل و دین و وحی و حکمت بر شرف و فضیلت علم و دانش دلالت دارند، علم مایه ی حیات دلها است که عوامل جهل و نادانی را از قلوب مردم ریشه‌کن می‌سازد و جامعه انسانی را به مدارج و جایگاههای ممتاز دنیوی و اخروی هدایت می‌کند.

باتوجه به روایت امام صادق (علیه السلام) که می‌فرماید: «لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَلَوْ بِسَفَكِ الْمُهْجِ وَخَوْضِ اللَّجَجِ»¹ «اگر مردم مزایا و ارزشهای علم را می‌دانستند، در طلب آن می‌کوشیدند ولو به قیمت ریزش خون دلها و فرو رفتن در طوفانهای سهمگین و گردابهای خطرناک باشد»

آنچه جامعه ما در شرایط کنونی نیاز دارد تا راه سعادت دنیا و آخرت را با سلامت و اقتدار طی کند توجه ویژه و جدی به علم آموزی است و همانطور که مقام معظم رهبری امام خامنه ای می‌فرماید:

((یک ملت، با اقتدار علمی است که میتواند سخن خود را به گوش همه‌ی افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که میتواند سیاست برتر و دست والا را در دنیای سیاسی حائز شود. اقتصاد هم به دنبال اینها به دست می‌آید؛ پول تابع تواناییهاست. امروز این طوری است؛ علم را میشود به پول تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد. این، جایگاه علم است. ما از علم عقب ماندیم. نه فقط در دوران پنجاه ساله‌ی منحوس پهلوی (که البته در این دوران، از لحاظ عمق علمی، پدر این مملکت را در آوردند. حالا خود تحلیل این مسأله، یک تحلیل تاریخی - اجتماعی است و یک مسأله‌ی مهمی است) بلکه از قبل از آن. دوران قاجاریه و پهلوی مظهر این عقب‌ماندگی علمی است. ما حالا داریم تلاش میکنیم که بتوانیم این درّه‌ی وسیع را پُر کنیم.))

وظیفه‌ی همه اقشار جامعه در این کشور خصوصا جامعه علمی و بالاخص حوزه های علوم دینی ، این است که این عقب ماندگی علمی را جبران کنند و هر چه میتوانند، علم بیاموزند.

1. بحار الانوار/علامه مجلسی/جلد 1/ص 177/انتشارات دارالکتب اسلامیة/تهران

منابع تحقیق:

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. راغب اصفهانی / مفردات الفاظ قرآن کریم / دفتر نشر نوید اسلام / قم / 1387
4. هاشمی رفسنجانی، اکبر / برگزیده فرهنگ قرآن / ج 3 / موسسه بوستان کتاب / قم / 1387
5. فواد عبدالباقی، محمد / معجم المفهرس / انتشارات مژگان / قم / 1391
6. محمدی ری شهری، محمد / گزیده میزان الحکمه / سازمان چاپ و نشر دارالحديث / قم / 1387
7. شیخ صدوق (ره) / الخصال شیخ صدوق / انتشارات فکر آوران / تهران / 1388
8. مکارم شیرازی، ناصر / تفسیر نمونه / دارالکتب الاسلامیه / تهران / 1380
9. علامه طباطبایی / تفسیر المیزان / چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی
10. طبرسی، فضل بن حسن / تفسیر مجمع البیان / انتشارات ناصر خسرو / تهران / 1389

11. امام خمینی (ره) / شرح چهل حدیث / موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) / تهران / 1371

12. ابن شعبه، حسن بن علی / تحف العقول / آل علی (ع) / قم / 1382

13. کلینی، محمد بن یعقوب / ترجمه اصول کافی / ج 1 / نشر سروین رخ / تهران / 1393

14. علامه مجلسی، محمد باقر / بحار الانوار / دارالکتب الاسلامیه / تهران

15. فیض کاشانی / المحجّه البیضاء

16. کنز العمال / موسسه فرهنگی دارالحدیث / قم

17. شهید ثانی، زین الدین / منیه المرید / مکتب الاعلام الاسلامیه / قم

18. کتابخانه دیجیتالی، آثار الصادقین

19. بیانات مقام معظم رهبری امام خامنه ای